بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سایت اینترنتی گلزارنور

http://golzarenoor.ir

هفتاد حدیث ناب از امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام فرمودند:

الإمام الحسين عليه السلام:

۱-مَن عَبَدَ اللهَ حَقَّ عِبادَتِهِ آتاهُ اللهُ فَوقَ أمانِيِّهِ و كِفايَتِهِ

هر که خدا را ، آن گونه که سزاوار او است ، بندگی کند ، خداوند بیش از آرزوها و کفایتش به او عطا کند.

بحار الأنوار ، ج ۷۱ ، ص ۱۸۳ .

۲-لايَحِلُّ لِعَينٍ مُؤمِنَةٍ تَرَى اللهَ يُعصى فَتَطرِفَ حَتّى تَغَيِّرَهُ

بر هیچ چشم مؤمنی روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می شود و چشم خود را فرو بندد ، مگر آن که آن وضع را تغییر دهد.

الأمالی ، طوسی ، ص ۵۵

۳-الصَّمَدُ: الّذي لا جَوفَ لَهُ ، والصَّمَدُ : الّذي قَدِ انتَهى سُؤدَدُهُ ، والصَّمَدُ الّذي لا يَأكُلُ ولا يَشرَبُ ، والصَّمَدُ : الّذي لا يَنامُ ، والصَّمَدُ : الدّائمُ الّذي لَم يَزَلْ ولا يَزالُ

صمد، کسی است که میانْ تهی[ممکن الوجود] نیست؛ صمد کسی است که سروری و مهتریش در اوج است؛ صمد کسی است که نه می خورد و نه می آشامد؛ صمد کسی است که نمی خوابد؛ صمد آن مانایی است که پیوسته بوده و خواهد بود.

۴-وقَد ماتَ ابنٌ لَهُ ، فَلَم يُرَ كَآبَةٌ عَلَيهِ ، فَعوتِبَ عَلى ذلِكَ ـ : إنّا أهلُ بَيتٍ نَسأَلُ اللهَ عَزَّوجَلَّ فَيُعطينا ، فَإِذا أرادَ ما نَكرَهُ فيما يُحِبُّ رَضينا

در حالی که فرزندش مرده بود و غمی در چهره اش دیده نمی شد ولذا مورد نکوهش قرارگرفت ـ : ما خاندانی هستیم که ازخداوند عز و جل می خواهیم و او به ما عطا می کند، پس هر گاه برای ما، آن بخواهد که خوش نمی داریم ولی او دوست می دارد، ما نیز خشنود خواهیم بود.

مقتل الحسين عليه السلام للخوارزميّ : ۱ / ۱۴۷ نقلاً عن الشافعيّ

۵- كانَ يُقالُ : لا تَحِلُّ لِعَينٍ مُؤمِنَةٍ تَرَى اللهَ يُعصى فتَطرِفُ حتّى يُغَيِّرَهُ

گفته می شد: بر هیچ چشمِ مؤمنِ به خدا روا نیست که ببیند خدا نافرمانی می شود و خود را فرو بندد مگر آن وضع را تغییر دهد.

تنبيه الخواطر : ۱۷۹/۲

۶- في دعاءِ يَومِ عَرَفَةَ ـ : اللّهُمّاجعَلْني أخشاكَ كَأنّي أراكَ ، وأسعِدْني بتَقواكَ ، ولا تُشقِني بِمَعصِيَتِكَ

در دعای روز عرفه ـ گفت : بار خدایا! کاری کن که از تو چنان بترسم که گویی می بینمت، و باتقوا و ترس از خودت خوشبختم گردان، و با معصیت و نافرمانیت شور بختم مکن.

بحار الأنوار: ۳/۲۱۸/۹۸

۷-أنَا قَتيلُ العَبَرَةِ لايَذكُرُني مُؤمِنٌ إلاّ استَعبَرَ

من کشته اشکم هر مؤمنی مرا یاد کند ، اشکش روان شود.

بحار الأنوار ، ج ۴۴ ، ص ۲۸۴ .

۸- مَن قَبِلَ عَطاءَكَ فقد أعانَكَ علَى الكَرَمِ

کسی که عطای تو را بپذیرد در بخشندگی به تو کمك کرده است.

الدّرة الباهرة : ۲۴

۹- القُنوعُ راحَةُ الأبدانِ

قناعت، مايه آسايش تن است.

بحار الأنوار : ۱۱/۱۲۸/۷۸

۱۰- لِرجُلٍ اغتابَ عِندَهُ رجُلاً ـ : يا هذا، كُفَّ عنِ الغِيبَةِ؛ فإنّها إدامُ كِلابِ النارِ

به مردی که در حضور ایشان از دیگری غیبت کرد

ـ فرمود: ای مرد! دست از غیبت بردار؛ زیرا غیبت خورش سگهای دوزخ است.

تحف العقول : ۲۴۵

۱۱- إنَّ أعمالَ هذهِ الأُمَّةِ ما مِن صَباحٍ إلّا وتُعرَضُ عَلَى اللهِ تَعالى

هر بامداد اعمال این امّت بر خداوند متعال عرضه می شود.

عیون أخبار الرضا : ۲ / ۴۴ / ۱۵۶

۱۲- لَمّا تَذاكَروا العَقلَ عِندَ مُعاوِيَةَ ـ : لا يَكمُلُ العَقلُ إلّا بِاتِّباعِ الحَقِّ ، فقالَ مُعاوِيَةُ : ما في صُدورِكُم إلّا شَيءٌ واحِدٌ

هنگامی که نزد معاویه سخن از عقل به میان آمد ـ فرمود : عقل به کمال نرسد مگر با پیروی از حق. معاویه گفت: در سینه های شما جز يك چیز وجود ندارد.

أعلام الدين : ۲۹۸

۱۳- إنَّ أعفَى النّاسِ مَن عَفا عِندَقُدرَتِهِ

با گذشت ترین مردم، کسی است که در زمان قدرت داشتن گذشت کند.

الدرّة الباهرة : ۲۴

۱۴-مِن عَلاماتِ أسبابِ الجَهلِ المُماراةُ لِغَيرِ أهلِ الفِكرِ

از نشانه های اسباب نادانی ، مجادله با غیر اهل اندیشه است.

تحف العقول

۱۵-اعلَموا أنَّ المَعروفَ مُكِسبٌ حَمدا ، ومُعقِبٌ أجرا ، فلَو رَأيتُمُ المَعروفَ رَجُلاً لَرَأيتُموهُ حَسَنا جَميلاً يَسُرُّ النّاظِرينَ ويَفوقُ العالَمينَ ، ولَو رَأيتُمُ اللُّؤمَ رَأيتُموهُ سَمِجا قَبيحا مَشوما تَنفِرُ مِنهُ القُلوبُ وتُغَضُّ دُونَهُ الأبصارُ.

بدانید که خوبی کردن، ستایش به بار می آورد و پاداش در پی دارد. اگر خوبی را به صورت مردی ببینید هر آینه آن را نیکو و زیبا و خوشایند و برتر از همه جهانیان خواهید دید و اگر پستی را ببینید آن را ناهنجار و زشت و بد منظر که دلها از آن می گریزد و چشمها به رویش بسته می شود، خواهید دید.

أعلام الدين : ۲۹۸

۱۶-دِراسَةُ العِلمِ لِقاحُ المَعرِفةِ

تحصیل دانش، سبب باروری شناخت است.

بحار الأنوار : ۱۱/۱۲۸/۷۸

۱۷- إيّاكَ وما تَعتَذِرُ مِنهُ ؛ فإنَّ المُؤمِنَ لا يُسيءُ ولا يَعتَذِرُ ، والمُنافِقَ كُلَّ يَومٍ يُسيءُ ويَعتَذِرُ

زنهار از کاری که از آن پوزش بخواهی؛ زیرا مؤمن نه بدی می کند و نه پوزش می خواهد و منافق هر روز بدی می کند و پوزش می طلبد.

تحف العقول : ۲۴۸

۱۸-بادِروا بِصِحَّةِ الأجسامِ في مُدَّةِ الأعمارِ

در مدّت عمر ، در حفظ سلامت تن بکوشید.

تحف العقول ، ص ۲۳۹

۱۹-وَ اللهِ مَا خَلَقَ اللهُ شَيْئاً إلا وَ قَدْ اَمَرَهُ بِالطّاعَةِ لَنَا

سوگند به خدا که خداوند هیچ موجودی را نیافرید، مگر آن‌که او را به اطاعت از ما، امر کرد.

(بحار الانوار، ج ۴۴ ص ۱۸۱ ح۱)

۲۰-لاتَقولُوا بِألسِنَتِکُم ما یَنقُصُ عَن قَدرِ کُم

چیزی را بر زبان نیاورید که از ارزش شما بکاهد.

جلاءالعیون ، ج ۲ ، ص ۲۰۵ .

۲۱-إنَّ حَوائِجَ النّاسِ اِلَیکُم مِن نِعَمِ اللهِ عَلَیکُم فَلاتَمَلُّوا النِّعَمَ

نیاز مردم به شما از نعمت های خدا بر شما است ؛ از این نعمت افسرده و بیزار نباشید.

بحار الأنوار ، ج ۷۴ ، ص ۲۰۵ .

۲۲-مَن سَرَّهُ أن یُنسأَ في أَجَلِهِ و یُزادَ في رِزقِهِ فَلیَصِلْ رَحِمَهُ

هر که خوش دارد مرگش به تأخیر افتد و روزی اش افزون شود . با خویشانش پیوند برقرار کند.

همان ، ص ۹۱ .

۲۳-مَن أحجَمَ عَنِ الرَّأيِ و عَیِیَت بِهِ الحِیَلُ ، کانَ الرِّفقُ مِفتاحُهُ

هر که از اظهار نظر درماند و راه چاره درمانده اش کند ، نرمی و مدارا کلید او باشد.

میزان الحکمه ، ح ۶۸۶۹ .

۲۴-مِن عَلاماتِ أسبابِ الجَهلِ المُماراةُ لِغَیرِ أهلِ الفِکرِ

از نشانه های نادانی ، جدل با بی فکران است.

تحف العقول ، ص ۲۴۸ .

۲۵-مَن طَلَبَ رِضَی النّاسِ بِسَخَطِ اللهِ وَکَلَهُ اللهُ إلَی النّاسِ

هرکه با خشم خدا ، خواهان خشنودی مردم باشد ، خداوند او را به مردم وامی گذارد.

الأمالی ، صدوق ، ص ۲۶۸

۲۶-مَن أحجَمَ عَنِ الرَّأيِ و عَيِيَت بِهِ الحِيَلُ ، كانَ الرِّفقُ مِفتاحُهُ

هر که از اظهار نظر درماند و راه چاره درمانده اش کند ، نرمی و مدارا کلید او باشد.

میزان الحکمه ، ح ۶۸۶۹ .

۲۷-كُفّ عَنِ الْغَيْبَةِ فَإِنّهَا إِدَامُ كِلابِ النّارِ

از غیبت بپرهیز، که خورش سگهای دوزخ است.

(بحار الانوار، ج ۷۵ ص ۱۱۷ ح۲)

۲۸-يَظهَرُ الله ُ قائِمَنا فَيَنتَقِمُ مِنَ الظّالِمينَ

خداوند قائم ما را از پس پرده غیبت بیرون می آورد و آن گاه او از ستم گران انتقام می گیرد.

إثباة الهداه ، ج ۷ ، ص ۱۳۸

۲۹-إذا قامَ قائِمُ العَدلِ وَسِعَ عَدلُهُ البِرَّ و الفاجِرَ

آن گاه که برپا دارنده عدالت (امام مهدی علیه السلام) قیام کند ، عدالتش نیکوکار و بدکار را فرا گیرد.

المحاسن ، ج ۱ ، ص ۱۳۴

۳۰- أكُونُ أوَّلَ مَن يَنشَقُ الأرضُ عَنهُ ، فَأخرُجُ خَرجَةً يُوافِقُ ذلكَ خَرجَةَ أميرِالمؤمنينَ وقيامَ قائِمِنا

من نخستین کسی هستم که وقتی زمین شکاف می خورد از آن بیرون می آیم و این همزمان است با رجعت امیرالمؤمنین و قیام قائم ما.

بحار الأنوار : ۵۳/ ۶۲/ ۵۲

۳۱-فی بَیانِ ما یَحْدُثُ فی زَمَنِ ظُهورِ الاِمامِ الْحُجَّةِ علیه السلام ـ : وَ لَتَنْزِلَنَّالْبَرَکَةُ مِنَ السَّماءِ اِلَی الاَرْضِ حَتّی اِنَّ الشَّجَرَةَ لَتَقْصِفُ مِمّا یَزیدُ الله ُ فیها مِنَ الثَّمَرَةِوَ لَتُؤْکَلُ ثَمَرةُ الشِّتاءِ فِی الصَّیْفِ وَ ثَمَرَةُ

الصَّيْفِ فِی الشِّتاءِ وَ ذلِكَ قَوْلُهُ تعالی: «وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُری آمَنوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِم بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الاَرْضِ وَلكِنكَذَّبُوا»

در بیان آنچه هنگام ظهور امام زمان علیه السلام رخ می دهد : بركت از آسمان به سوی زمین فرو می ریزد، تا آن جا كه درخت از میوه فراوانی كه خداوند در آن می افزاید، می شكند.(مردم) میوه زمستان را در تابستان و میوه تابستان را در زمستان می خورند و اینمعنای سخن خداوند است كه: (و اگر مردمِ آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشهمی كردند، بركت هایی از آسمان و زمین به روی آنان می گشودیم، لیكن تكذیب كردند.

مختصر بصائر الدرجات، ص ۵۱

۳۲-اِتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَراءِ اَیادی فَاِنَّ لَهُمْ دَوْلَةٌ یَوْمَ الْقیامَةِ

با نیكی و كمك به نیازمندان نزد آنان جایگاهی برای خود بیابید، كه آنان روزقیامت مقام و منزلتی دارند.

كنزالعمال، ح ۱۶۵۸۲

۳۳-إلهي أنا الفَقيرُ في غِنايَ فَكَيفَ لاأكونُ فَقيرا في فَقري

خدایا! من در حال بی نیازی نیازمندم ؛ پس چگونه در حال فقر نیازمند [تو] نباشم ؟

همان ، ج ۹۸ ، ص ۲۲۵ .

۳۴-كانَ صلي الله علیه و آله... لا یَحْسَبُ اَحَدٌ مِنْ جُلَسائِهِ اَنَّ اَحَدا اَكْرَمُ عَلَیْهِ مِنْهُ

پیامبر صلي الله علیه و آله چنان با هم نشینان رفتار می نمودند كه هیچ یك از آنان گمان نمی كردكسی نزد آن حضرت از وی گرامی تر باشد.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۸۴

۳۵-وَ حَقیقٌ عَلَی اللهِ اَنْ لا یَأْتیَنی مَكْرُوبٌ اِلاّ اَرُدُّهُ وَ اَقْلِبُهُ اِلی اَهْلِهِمَسْرورا

بر خداوند است كه هیچ گرفتاری به زیارت من نیاید مگر آن كه او را شادمان بازگردانم و به خانواده اش برسانم.

ثواب الأعمال، ص ۹۸

۳۶-اِنَّ شیعَتَنا مَنْ سَلِمَتْ قُلوبُهُمْ مِنْ کُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَدَغَلٍ

بی گمان شیعیان ما، دل هایشان از هر خیانت، کینه، و فریبکاری پاك است.

بحارالأنوار، ج ۶۸، ص ۱۵۶، ح ۱۱

۳۷-مِن دَلائِلِ العالِمِ انتِقادُهُ لِحَدیثِهِ و عِلمُهُ بِحَقائِقِ فُنُونِ النَّظَرِ

از نشانه های دانا ، نقّادی (و بررسی) گفتار خود و آگاهی او از حقایق فنون رأی (و نظر) است.

تحف العقول

۳۸-فَبادِروا بِصِحَّةِ الاَجْسامِ فی مُدَّةِ الاَعْمارِ

در مدت عمر، در حفظ سلامت تن بکوشید.

تحف العقول، ص ۲۳۹

۳۹-لِلسَّلامِ سَبعونَ حَسَنَةً ، تِسعٌ و سِتّونَ لِلمُبتَدِی ءِ وواحِدَةٌ لِلرّادِّ

سلام را هفتاد حسنه (و پاداش نیك) باشد : شصت و نُه حسنه از آنِ سلام دهنده و یك حسنه از آنِ پاسخ گوینده آن است.

تحف العقول

۴۰-لا یَکْمُلُ الْعَقْلُ اِلاّ بِاتِّباعِ الْحَقِّ

عقل، جز با پیروی از حق، کامل نمی شود.

اعلام الدین، ص ۲۹۸

۴۱-اِنَّ النّاسَ عَبیدُ الدُّنْیا وَ الدّینُ لَعْقٌ عَلی اَلْسِنَتِهِمْ یَحوطونَهُ ما دَرَّتْمَعائِشُهُمْ فَاِذا مُحِّصوا بِالْبَلاءِ قَلَّ الدَّیّانونَ

به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان آنهاست، تا جایی که دین وسیله زندگی آنهاست، دین دارند و چون در معرض امتحان قرار گیرند، دینداران کم می شوند.

تحف العقول، ص ۲۴۵

۴۲-اَ یُّهَا النّاسُ نافِسوا فِی الْمَکارِمِ وَ سارِعوا فِی الْمَغانِمِ وَ لا تَحْتَسِبوابِمَعْروفٍ لَمْ تَجْعَلوا...

ای مردم در خوبی ها با یکدیگر رقابت کنید و در کسب غنائم (بهره گرفتن از فرصت ها)شتاب نمایید و کار نیکی را که در انجامش شتاب نکرده اید، به حساب نیاورید.

بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۱، ح ۴

۴۳-أُوصِیکُم بِتَقوَی اللهِ فَإنَّ اللهَ قَد ضَمِنَ لِمَنِ اتَّقاهُ أن یُحَوِّلَهُ عَمّا یَکرَهُ إلی مایُحِبُّ ویَرزُقَهُ مِن حَیثُ لایَحتَسِبُ

شما را به تقوای الهی سفارش می کنم ؛ زیرا خدا ضمانت داده کسی را که تقوای الهی پیشه سازد ، از آنچه ناخوش می دارد ، به آنچه خوش می دارد انتقال دهد ، و از جایی که گمان نمی برد ، روزی اش دهد.

تحف العقول

۴۴- مَن قَبِلَ عَطاءَكَ فقد أعانَكَ علَی الكَرَمِ

کسی که عطای تو را بپذیرد در بخشندگی به تو کمك کرده است.

الدّرة الباهرة : ۲۴

۴۵- اعلَموا أنَّ المَعروفَ مُكسِبٌ حَمدا ، ومُعقِبٌ أجرا ، فلَو رَأیتُمُ المَعروفَ رَجُلاً لَرَأیتُموهُ حَسَنا جَمیلاً یَسُرُّ النّاظِرینَ ویَفوقُ العالَمینَ ، ولَو رَأیتُمُ اللُّؤمَ رَأیتُموهُ سَمِجا قَبیحا مَشوما تَنفِرُ مِنهُ القُلوبُ وتُغَضُّ دُونَهُ الأبصارُ.

بدانید كه خوبى كردن، ستايش به بار مى آورد و پاداش در پى دارد. اگر خوبى را به صورت مردى ببينيد هر آينه آن را نيكو و زيبا و خوشايند و برتر از همه جهانيان خواهيد ديد و اگر پستى را ببينيد آن را ناهنجار و زشت و بد منظر كه دلها از آن مى گريزد و چشمها به رويش بسته مى شود، خواهيد ديد.

أعلام الدين : ۲۹۸

۴۶-یَابْنَ آدَمَ تَفَكَّرْ وَقُلْ اَیْنَ مُلُوكُ الدُّنْیا وَاَرْبابُهَا الَّذینَ عَمَرُوا وَاحْتَفَرُوا أَنْهارَها وَغَرَسُوا أَشْجارَها وَمَدَنُوا مَدائِنَها، فارَقُوها وَهُمْ كارِهُونَ

ای فرزندآدم! اندیشه کن وبگو: کجایند پادشاهان جهان و صاحبان دنیا که آن را آباد کردند و نهرها کندند و درختان را کاشتند و شهرها را بنا کردند و بعد با ناخرسندی از آنها جدا شدند.

ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۹

۴۷-لَوْلا ثَلاثَةٌ ما وَضَعَ ابْنُ آدَمَ رَأْسَهُ لِشَىْ ءٍ: اَلْفَقْرُوَ الْمَرَضُ وَالْمَوْتُ

اگر سه چیز نبود انسان در مقابل هیچ چیز سر فرود نمی آورد: ـ فقر و تنگدستی ۲ ـ بیماری ۳ ـ مرگ.

نزهة الناظر، ص ۸۰

۴۸-اَخْرَبْتَ دارَكَ، وَعَمَّرْتَ دارَ غَيْرِكَ، غَرَّكَ مَنْ فِى الأَرْضِ، وَمَقَّتَكَ مَنْ فِى السَّماءِ

به کسی که خانه مجلل ساخته بود و از امام علیه السلام خواست تبرّك کند امام پس از بازدید خانه چنین فرمود: خانه خود را خراب کردی و خانه دیگران را آباد نمودی، کسی که روی زمین است تو را مغرور کرده وآنکه درآسمان است (خدا) تو را دشمن داشته است.

تنبیه الخواطر، ج ۱، ص ۷۰ .مستدرك الوسائل، ج ۳، ص ۴۶۷

۴۹-یا بُنَیَّ اِیّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لایَجِدُ عَلَیْكَ ناصِراً اِلاَّ اللهَ

فرزندم! بپرهیز از ستم بر کسی که غیر از خدا یاوری در مقابل تو ندارد.

بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۸ ـ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۲۰

۵۰-شَرُّ خِصالِ الْمُلُوكِ: اَلْجُبْنُ مِنَ الأعْداءِ، وَالْقَسْوَةُ عَلَى الضُّعَفاءِ وَالْبُخْلُ عِنْدَ الأعْطاءِ

بدترین خصلت پادشاهان عبارت است از:

ترس در مقابل دشمنان ـ قساوت در مورد ضعیفان ـ بخل ورزیدن هنگام بخشش

مناقب ابن شهرآشوب، ج۴، ص۶۵ ـ بحارالانوار، ج۴۴، ص۱۸۹

۵۱-مَنْ لَبِسَ ثَوْباً یُشْهِرُهُ كَساهُ اللهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ ثَوْباً مِنَ النّارِ

کسی که لباسی بپوشد که او را مشهور (وانگشت نما) کند، خداوند روز قیامت لباسی از آتش بر او خواهد پوشاند.

فروع کافی، ج ۶، ص ۴۴۵ ـ وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۵۴

۵۲-فیما جَرى بَینَهُ وبَینَ مَروانَ بنِ الحَكَمِ ـ : إلَیكَ عَنّي ، فَإِنَّكَ رِجسٌ ، وإنّي مِن أهلِ بَیتِ الطَّهارَةِ ، قَد أنزَلَ اللهُ فینا : إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أهلَ البَیتِ ویُطَهِّرَكُم تَطهیرًا

در ماجرایی میان ایشان و مروان بن حکم: از من دور شو که تو پلیدی هستی و ما خاندان پاکی و پاکیزگی که خداوند این آیه را در حقّ ما نازل کرده است: إِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ البیتِ ویُطَهِّرَكُمْ تَطْهیراً.

مقتل الحسین للخوارزميّ : ۱ / ۱۸۵ ، الفتوح : ۵ / ۱۷

۵۳-إنَّ اللهَ اصطَفى مُحَمَّدًا صلي الله علیه و آله عَلى خَلقِهِ ، وأكرَمَهُ بِنُبُوَّتِهِ ، واختارَهُ لِرِسالَتِهِ ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللهُ إلَیهِ وقَد نَصَحَ لِعِبادِهِ ، وبَلَّغَ ما اُرسِلَ بِهِ صلي الله علیه و آله . وكُنّا أهلَهُ وأولِیاءَهُ وأوصِیاءَهُ ووَرَثَتَهُ وأحَقَّ النّاسِ بِمَقامِهِ فِي النّاسِ ، فَاستَأثَرَ عَلَینا قَومُنا بِذلِكَ ، فَرَضینا ، وكَرِهنَا الفُرقَةَ ، وأحبَبنَا العافِیَةَ ، ونَحنُ نَعلَمُ أنّا أحَقُّ بِذلِكَ الحَقِّ المُستَحَقِّ عَلَینا مِمَّن تَوَلّاهُ

خداوند، محمّد صلي الله علیه و آله را برای خلقش برگزید و با پیامبری گرامیش داشت و او را برای رسالت خود برگزید. سپس خداوند، او را در حالی نزد خود برد که حضرت صلي الله علیه و آله برای بندگان خدا خیر خواسته بود و آن چه را که برای آن فرستاده شده بود رسانده بود. ما خاندان، یاوران، اوصیاء، وارثان و سزاوارترین مردم هستیم برای دست یافتن به مقام او در میان مردم. اما قوم ما این مقام را از ما گرفتند و به خود اختصاص دادند و ما هم بدین امر تن دادیم و از تفرقه تنفّر و عافیت را خوش داشتیم و این در حالی است که می دانیم ما به این حقّ که حقّ ماست، سزاوارتر از کسانی هستیم که آن را در اختیار گرفته اند.

تاریخ الطبريّ : ۵ / ۳۵۷ عن أبي عثمان النهديّ ، البدایة والنهایة : ۸ / ۱۵۷

۵۴-دَخَلتُ عَلى رَسولِ اللهِ صلي الله علیه و آله في بَیتِ اُمِّ سَلَمَةَ ، وقَد نَزَلَت هذِهِ الآیَةُ : «إنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذهِبَ عَنكُمُ الرِّجسَ أهلَ البَیتِ ویُطَهِّرَكُم تَطهیرًا» ، فَقالَ رَسولُ اللهِ صلي الله علیه و آله : یا عَلِيُّ ، هذِهِ الآیَةُ نَزَلَت فیكَ وفي سِبطَيَّ والأَئِمَّةِ مِن وُلدِكَ.

امام حسین علیه السلام به نقل از پدرش:

در خانه امّ سلمه بر پیامبر خدا صلي الله علیه و آله وارد شدم و این آیه نازل شده بود: «اِنَّما یُریدُ اللهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ البیتِ ویُطَهِّرَكُمْ تطهیراً» . پس پیامبر خدا صلي الله علیه و آله فرمود: ای علی! این آیه در حقّ تو و دو نوه من و امامان از نسل تو نازل شد.

كفایة الأثر : ۱۵۶ عن عیسى بن موسى الهاشميّ عن آبائه.

۵۵ ـ لَمّا سَأَلَهُ أبوهُ عنِ السُّؤدُدِ ـ : إحشاشُ العَشیرَةِ ، واحتِمالُ الجَریرَةِ

در پاسخ به سؤال پدر بزرگوارش از معنای سروری فرمود : كمك كردن به عشيره و به دوش كشيدن خسارتها و جرايم آنها.

بحار الأنوار : ۱۴/۱۹۴/۷۲

۵۶- صاحِبُ الحاجةِ لَم يُكرِمْ وَجهَهُ عن سُؤالِكَ فَأكرِمْ وَجهَكَ عن رَدِّهِ

نيازمند با درخواست كردن حرمت خود را نگه نداشته است ، پس تو با نوميد نكردن او آبرو و حرمت خود را نگه دار.

كشف الغمّة : ۲۴۴/۲

۵۷- مَن أُحْجِمَ عن الرَّأيِ وعَيِيَتْ بِهِ الحِيَلُ ، كانَ الرِّفقُ مِفتاحَهُ

هر كه فكرش به جايى نرسد و در چاره يابى درمانَد، ملايمت، كليد [گشايش مشكل]او باشد.

بحار الأنوار : ۱۱/۱۲۸/۷۸

۵۸- مَن طَلَبَ رِضا اللهِ بِسَخَطِ الناسِ كَفاهُ اللهُ أُمُورَ الناسِ ، ومَن طَلَبَ رِضا الناسِ بِسَخَطِ اللهِ ، وَكَلَهُ اللهُ إلى النّاسِ

هركه خشنودى خدا را با ناخشنودى مردم بطلبد ، خداوند او را از امور مردم بى نياز كند و هركه خشنودى مردم را با ناخشنود كردن خدا بجويد ، خداوند او را به مردم واگذارد.

بحار الأنوار: ۱۷/۲۰۸/۷۱

۵۹- إنّ أوصَلَ الناسِ مَن وَصَلَ مَن قَطَعَهُ

قوى ترين كَس در صله رحم كسى است كه با خويشاوند بريده از خود پيوند برقرار كند.

بحار الأنوار : ۴۱/۴۰۰/۷۴

۶۰-مَن سَرَّهُ أن يُنسَأ في أجَلِهِ ، ويُزادَ في رِزقِهِ ، فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ

هر كه دوست دارد مرگش به تأخير افتد و روزى اش افزايش يابد ، صله رحم به جاى آورَد.

بحار الأنوار : ۱۵/۹۱/۷۴

۶۱-لا تَقولَنَّ فی اَخیكَ المُؤْمِنِ اِذا تَواری عَنْكَ اِلاّ ما تُحِبُّ اَنْ یَقولَ فیكَاِذا تَوارَیْتَ عَنْهُ؛

وقتی که برادر دینی ات از تو جدا شد، سخنی پشت سر او نگو، مگر این که دوستداری او در پشت سر تو آن را بگوید.

بحارالأنوار، ج ۷۸، ص ۱۲۷

۶۲-اَللّهُمَّ لا تَسْتَدْرِجنی بِالاِحسانِ وَ لا تُؤَدِّبْنی بِالْبَلاءِ

خدایا! با غرق کردن من در ناز و نعمت، مرا به پرتگاه عذاب خویش مَکشان و با بلایا(گرفتاری ها) ادبم مکن.

بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷، ح ۹

۶۳-مِن دَلائِلِ عَلاماتِ القَبولِ : الجُلوسُ إلی أهلِ العُقولِ

از نشانه های خوش نامی و نیك بختی ، همنشینی با خردمندان است.

تحف العقول

۶۴- الإمام الحسين عليه السلام ـ لِعُتبَةَ بنِ أبي سُفيانَ:

إنّا أهلُ بَيتِ الكَرامَةِ ، ومَعدِنُ الرِّسالَةِ ، وأعلامُ الحَقِّ الَّذينَ أودَعَهُ اللهُ عَزَّوجَلَّ قُلوبَنا ، وأنطَقَ بِهِ ألسِنَتَنا

به عتبة بن ابى سفيان : ما، اهل خانه كرامت و كان رسالت و نشانه هاى حقّى هستيم كه خداوند آن را در دل ما به وديعت نهاده و زبان ما را بدان گويا ساخته است.

أمالي الصدوق : ۱۳۰ / ۱ عن عبد الله بن منصور عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام

۶۵- اليَعقوبيُّ في تاريخِهِ

قيلَ لِعَلِيِّ بنِ الحُسَينِ عليهماالسلام : ما أقَلَّ وُلدَ أبيكَ! قالَ : العَجَبُ كَيفَ وُلِدتُ لَهُ ، إنَّهُ كانَ يُصَلّي فِي اليَومِ واللَّيلَةِ ألفَ رَكعَةٍ فَمَتى كانَ يَفرُغُ لِلنِّساءِ ؟

به على بن الحسين عليه السلام گفته شد:

فرزندان پدر تو چه اندكند! امام عليه السلام فرمود: شگفت از آن كه من خود چگونه براى او زاده شدم، او در شبانه روز، هزار ركعت نماز مى گزارد و ديگر كى به زنان مى رسيد؟

تاريخ اليعقوبيّ : ٢ / ٢٤٧ ، العقد الفريد : ٢ / ٣٤٣ وفيه «قيل لمحمّد بن عليّ بن الحسين أو لعليّ بن الحسين عليهم السلام : ما أقلّ ولد أبيك ...» ، فلاح السائل : ٢٦٩

۶۶-في خُطبَتِهِ لِمَن جاءَ إلى مُحاصَرَتِهِ بِكَربَلاءَ : أمّا بَعدُ ، أيُّهَا النّاسُ ، فَإِنَّكُم إن تَتَّقوا وتَعرِفُوا الحَقَّ لِأَهلِهِ يَكُن أرضى للهِ عَنكُم ، ونَحنُ أهلُ بَيتِ مُحمَّدٍ أولى بِوَلايَةِ هذَا الأَمرِ عَلَيكُم مِن هؤُلاءِ المُدَّعينَ ما لَيسَ لَهُم ، والسّائِرينَ فيكُم بِالجَورِ والعُدوانِ . وإن أبَيتُم إلاّ كَراهِيَةً لَنا والجَهلَ بِحَقِّنا فَكانَ رَأيُكُمُ الآنَ غَيرَ ما أتَتني بِهِ كُتُبُكُم وقَدِمَت بِهِ عَلَيَّ رُسُلُكُم ، انصَرَفتُ عَنكُم

در خطبه خود خطاب به كسانى كه براى محاصره او به كربلا آمده بودند : امّا بعد، اى مردم! اگر شما تقوا در پيش گيريد و حقّ را براى اهلش شناسيد خدا از شما خشنودتر خواهد گشت و ما خاندان محمّد به داشتن ولايت اين امر بر شما شايسته تر هستيم از اين مدّعيانى كه از آن بى بهره اند و در ميان شما به ظلم و تجاوز مى گردند و اگر ما را خوش نمى داريد و اين حقّ را براى ما نمى شناسيد، كه در اين صورت اين نظر شما جز آن چيزى است كه نامه هاى شما به من مى گويد و پيكهاى شما به من گفته اند، پس من از نزد شما برمى گردم.

الإرشاد : ٢ / ٧٩ ، وقعة الطفّ : ١٧٠ ، الكامل في التاريخ : ٢ / ٥٥٢

۶۷-في الدُّعاءِ ـ : إلهي تَرَدُّديفي الآثارِ يُوجِبُ بُعدَ المَزارِ ، فاجمَعْني عَلَيكَ بِخِدمَةٍ تُوصِلُني إلَيكَ ، كَيفَ يُستَدَلُّ عَلَيكَ بِما هُوَ في وُجودِهِ مُفتَقِرٌ إلَيكَ ؟ ! أيَكونُ لِغَيرِكَ مِنَ الظُّهورِ ما لَيسَ لَكَ حتّى يَكونَ هُوَالمُظهِرَ لَكَ ؟! متى غِبتَ حتّى تَحتاجَ إلى دَليلٍ يَدُلُّ عَلَيكَ ؟ ! ... بِكَ أستَدِلُّ عَلَيكَ فَاهْدِني بِنورِكَ إلَيكَ

در دعا گفت : بار خدايا! سر گرم شدنم به آثار و نشانه ها، موجب دورى زيارتگاه (ديدار خدا) مى شود، پس تمام قواى مرا متوجه كارى كن كه من را به تو برساند. چيزى كه خود در هستى اش نيازمند توست، چگونه تواند دليل و رهنماى بر تو باشد؟! آيا جز تو را ظهورى است كه تو را نيست تا اين كه آنان آشكاركننده تو باشند؟! كى غايب بوده اى تا نياز داشته باشى (راهنمايى) به جايگاه تو راهنمايى كند؟!... به واسطه توست كه ره به تو مى برم؛ پس، با نور خود مرا به سويت رهنمون شو.

بحار الأنوار : ٢٢٥/٩٨

۶۸- إنّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ التّجّارِ وَ إنّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبادَةُ الْعَبِيدِ وَ إنّ قَوْماً عَبَدُوا اللهَ شُكْراً فَتِلْكَ عِبادَةُ الاَحْرارِ وَ هِىَ اَفْضَلُ الْعِبادَةِ

امام حسين (ع) فرمود: گروهى خدا را از روى ميل به بهشت عبادت مى‌كنند، كه اين عبادت تجارت‌كنندگان است و گروهى خدا را از ترس دوزخ مى‌پرستند و اين عبادت بردگان است، و گروهى خدا را به سبب شايستگى مى‌پرستند، و اين عبادت آزادگان است كه برترين عبادت است.

(تحف العقول، ص ۲۷۹ ح۴)

۶۹- بُكَاءُ الْعُيُونِ وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ رَحْمَةٌ مِنَ اللهِ

امام حسين (ع) فرمود: گريستن چشم‌ها و ترسيدن قلب‌ها، رحمتى از جانب خداست.

(مستدرك الوسائل، ج ۱۱ ص ۲۴۵ ح۳۵)

۷۰- اَىّ شَىْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللهُ عَزّوَجَلّ آدَمَ (ع)؟ قَالَ كُنّا اَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرّحْمنِ فَنُعَلّمُ لِلْمَلاَئِكَةِ التّسْبِيحَ وَ التّهْلِيلَ وَ التّحْمِيدَ

از امام حسين (ع) پرسيده شد: قبل از اين‌كه خداوند عزّوجل آدم (ع) را خلق كند، شما چه چيزى بوديد؟ فرمود: ما شبح‌هايى از نور بوديم كه بر گرد عرش خدا مى‌چرخيديم و به ملائكه درس تسبيح و توحيد و ستايش خدا را مى‌آموختيم.

(بحار الانوار، ج ۵۷ ص ۳۱۱ ح۱)